

مروری بر
مواضع ضد استعماری و ضد صهیونیستی روحانیت شیعه
در دوره معاصر

تألیف
محمد حسن رحیمی (دوانی)



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: رجبی، محمدحسن، ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدیدآور: مروری بر مواضع ضداستعماری و ضدصهیونیستی روحانیت شیعه در دوره
معاصر / تألیف محمدحسن رجبی (دوانی).
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص.
شابک: 978-964-00-1570-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
موضوع: روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی.
موضوع: شیعه -- روحانیت.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲، ۳، ۹، ۱۵۶۳/ DSR
رده‌بندی دیویی: ۸۴/ ۹۵۵
شماره کتباتی ملی: ۳۲۴۵۲۰۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۵۷۰-۴



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱
مروری بر مواضع ضداستعماری و ضدصهیونیستی روحانیت شیعه در دوره معاصر
© حق چاپ: ۱۳۹۲، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.mirkabir.net

نوبت چاپ: اول

مؤلف: محمدحسن رجبی (دوانی)

حروف متن: میترا ۱۳

طراح جلد: محمدرضا نبوی

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ وازه‌پرداز اندیشه، تلفن: ۷۷۱۴۵۰۶۳-۶

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری،
اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی،
و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	موضع گیری بر ضد متجاوزان روس و انگلیس و زیاده خواهی های آنان.....
۱۵.....	تلاش در جهت اتحاد کشورهای اسلامی.....
۲۷.....	موضع گیری بر ضد متفقین و دفاع از استقلال عراق، ایران و لبنان.....
۳۵.....	مقابله با یهودی سازی فلسطین.....
۵۵.....	موضع گیری علیه تشکیل دولت اسرائیل و حمایت از فلسطینی ها و
۷۳.....	حمایت از دولت ها و ارتش های عربی معارض اسرائیل.....
۱۱۵.....	کتابنامه.....
۱۱۹.....	نمایه.....

پیشگفتار

کتابی که فراروی خوانندگان محترم قرار دارد - چنان که از عنوان و حجمش پیداست - گویاتر و موجزتر از آن است که نیاز به مقدمه‌ای داشته باشد. امید آنکه این اثر، آغاز پژوهش‌های گسترده‌تر و دامنه‌دارتری توسط پژوهشگران باشد. به نظر نگارنده، غور و تأمل در رویدادهای سیاسی جاری در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی منطقه، و مناسبات استکبار جهانی با آن‌ها، بدون رجوع به سوابق امر و یافتن زمینه و علل و عوامل آن، امری مشکل بلکه محال می‌نماید. بنای نگارنده در نگارش این اثر، بر ایجاز و اختصار بوده و قصد تفصیل نداشته، و امیدوار است که شاید بتواند زوایای کمتر شناخته‌شده‌ای از تاریخ سیاسی معاصر ایران و جهان اسلام را در معرض نظر خوانندگان علاقه‌مند قرار دهد. بخشی از مطالب این کتاب سال پیش به همایش «پنجاهمین سالگرد تأسیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» که در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۱ در شهر قم برگزار شد ارائه گردید و پس از آن با ویرایش کامل و مطالب تکمیلی به صورتی که ملاحظه می‌شود تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد. در پایان، تشکر خود را از مسئولان محترم انتشارات امیرکبیر که در فرصت کوتاه، به چاپ و نشر این کتاب همت گماشتند، ابراز می‌دارد.

محمدحسن رجبی (دوانی)

۱۳۹۲/۲/۴

مقدمه

با تشکیل دولت شیخی صفوی در آغاز قرن دهم هجری، منازعات خونین مذهبی - سیاسی میان ایران و عثمانی، که داعیه رهبری مذهبی - سیاسی جهان اسلام را داشت، به مدت سه قرن آغاز شد و کم‌وبیش تا نیمه حکومت فتح‌علی‌شاه قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم هجری) ادامه یافت. این درگیری‌ها به تضعیف بنیان‌های اقتصادی و نابودی امکانات طبیعی و انسانی زیادی از هردو طرف انجامید و مانع بزرگی برای توسعه هر دو کشور گردید.

در قرن دوازدهم هجری، دولت تزاری روسیه در صحنه سیاسی - نظامی جهان سر برآورد و به سرعت به صورت بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان درآمد. این دولت که براساس مذهب ارتدوکس شکل گرفته بود، خود را میراث‌دار امپراتوری مسیحی روم شرقی (بیزانس) می‌دانست که توسط عثمانی‌ها از چیده شده بود و پایتخت مذهبی - سیاسی آن (قسطنطنیه)، پایتخت دولت عثمانی گردیده و نام «اسلامبول» بر خود گرفته بود. اما روسیه، دشمن بزرگ و جدی عثمانی به‌شمار می‌رفت و درصدد تضعیف و نابودی آن دولت و بازگشت مجدد قسطنطنیه به آغوش جهان مسیحی بود. بدین‌منظور از نیمه دوم قرن دوازدهم هجری جنگ میان دو دولت آغاز شد که به مدت بیش از صد و پنجاه سال ادامه یافت.

این جنگ‌ها که بعضاً با حمایت‌های سیاسی - نظامی دولت‌های اروپایی همراه بود، موجب شکست‌های بزرگی برای عثمانی و از دست رفتن بخش‌های وسیعی از آن کشور گردید و توان سیاسی، نظامی و اقتصادی آن را به تحلیل برد. ازاین‌رو در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی)، عثمانی «مرد بیمار اروپا» خوانده می‌شد.

علاوه بر آن، شورش‌های اقوام و ملیت‌های مسیحی ساکن امپراتوری که در طول قرون سیزدهم و چهاردهم هجری با تحریک و حمایت دولت‌های اروپایی ادامه داشت، سبب شد تا دولت عثمانی فرصت پرداختن به منازعات مذهبی - سیاسی گذشته با ایران را نداشته باشد و لذا در قرن سیزدهم هجری - به جز یک مورد درگیری که با وساطت علمای شیعه عراق به مصالحه انجامید - جنگی میان دو کشور پدید نیامد و آرامش سیاسی میان دو کشور برقرار گردید.

از سوی دیگر انگلستان که از آغاز قرن یازدهم هجری به بهانه تجارت به سرزمین حاصلخیز هندوستان وارد شد، پس از گذشت دو قرن، همه رقبای استعماری را از آن سرزمین بیرون راند و خود عملاً حاکم بلامنازع آن سرزمین پهناور گردید که تا پیش از آن، پادشاهان و امرای مسلمان بر آن حکومت می‌کردند.

این زیاده‌خواهی‌های استعمارگران اروپایی، تضعیف و سقوط دولت‌ها و امرای مسلمان، و ذلت و محرومیت مسلمانان مناطق از دست رفته را به همراه داشت که اخبار ناگوار آن، از طریق مهاجران، بازرگانان و یا زائران خانه خدا به اطلاع مردم و علمای ایران می‌رسید.